

تازه‌سرخ

ارکان تئوریکت - سیاسی سازمان انقلابی

در این شماره:

اوضاع کنونی و وظائف ما

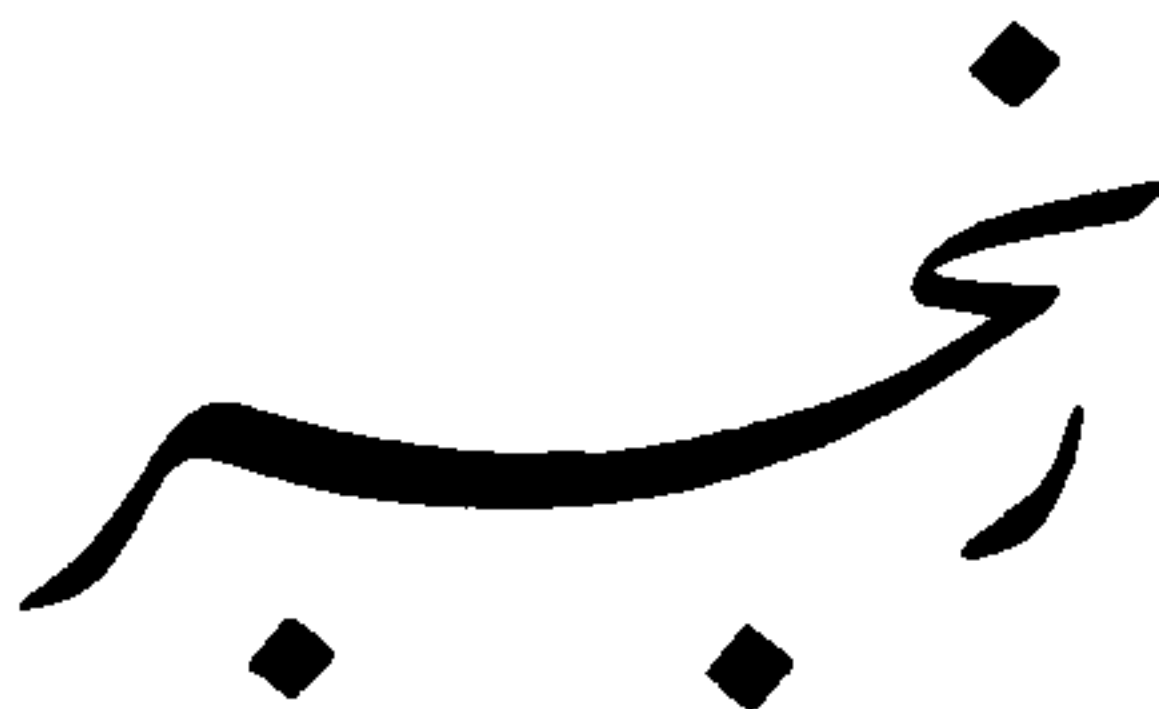
پلاتفرم ایجاد حزب کمونیست ایران

برنامه سازمان انقلابی برای

«اتحاد بزرگ ملی»

تئوری سه جهان چیست و چه میگوید

دوره سوم - شماره دوم - مرداد ماه ۱۳۵۸



ارگان مرکزی سازمان انقلابی را بخوانید

نشانی رنجبر و ستاره سرخ

تهران صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

تلفن ۶۶۰۵۱۹

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمبهای خود را

به حساب بانکی زیر واریز نماید:

بانک ملی ایران

تهران - شعبه خیابان ایران شهر

شماره حساب ۲۵۲۶۸

کمک مالی خواستگارگان، انجمن موسی در ادامه کار ما دارد مشکلات مالی ما را بهبود بخشید تا بتوانیم مشکلات خود را حل کنیم. این مشکلات را می توان با پرداخت هزینه های خود در راه حل آنها کمک کرد. ما این کار را برای همه مردم ایران انجام می دهیم. ما این کار را برای همه مردم ایران انجام می دهیم. ما این کار را برای همه مردم ایران انجام می دهیم.

تازه‌نسخ

ارکان تئوریکت - سیاسی سازمان انقلابی

دوره سوم - شماره دوم

مرداد ماه ۱۳۵۸

www.KetabFarsi.com

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۵	سخنی چند با خوانندگان
۷	<u>اوضاع</u>
۲۶	<u>پلاتفرم حزب</u>
۴۰	<u>پلاتفرم جبهه واحد</u>
۵۱	<u>تئوری سه جهان چیست و چه میگوید</u>
۵۴	- مقدمه
	- فصل اول :
	تئوری سه جهان یک نظریه مارکسیستی - لنینیستی با نتایج استراتژیک و تاکتیکی برای انقلاب جهانی طبقه کارگراست
۵۵	الف - جهان اول - دوا بر قدرت آمریکا و شوروی
۶۸	ب - جهان دوم - نیروئی که در مبارزه علیه سلطه طلبی میتوان آنرا بخود جلب نمود
۸۴	ج - جهان سوم - نیروی عمده در مبارزه با امپریالیسم و سلطه طلبی دوا بر قدرت
۹۸	- فصل دوم :
	مخالفین تئوری سه جهان با مارکسیسم و تجارب تاریخی پرولتاریا مخالفند
۹۰۰	الف - مارکس و انگلس وصف بندی نیروها
۱۰۸	ب - لنین و تقسیم جهان به سه بخش
۱۱۲	ج - لنین و دوران ما "دوران امپریالیسم و انقلابات کارگری"
۱۲۶	د - استالین و تقسیم نیروها
۱۲۹	ه - مائوتسهدون جبهه جهانی انقلابات
۱۳۸	سخن آخر :
	جوهر مارکسیسم در تجربه و تحلیل مشخص اوضاع مشخص است

سخنی با خوانندگان

اول: در این شماره دو مقاله تحلیلی از اوضاع ایران و جهان و وظایف پرولتاریای ایران و جهان را در فعال آن میآوریم. مقاله اول بطور عمومی اوضاع سیاسی ایران را پس از پیروزی انقلاب تحلیل کرده و دلائل ایجاد هرج و مرج را مشخص میکند. مقاله دوم کوششی است برای تشریح تئوری سه جبهه‌ان و وظایف کنونی پرولتاریای بین‌المللی. بدین سان با شناخت کلی از اوضاع ایران و جهان و ارتباط ارگانیک آنها با هم سازمان انقلابی به مشخص کردن وظایف مستقل پرولتاریای ایران برای پیشبرد امر انقلاب میپردازد.

دو سند "پلاتفرم ایجاد حزب کمونیست ایران" و "برنامه سازمان انقلابی برای اتحاد بزرگ ملی" که در خدمت آن قرار داده در این شماره ستاره سرخ بچاپ میرسد. این دو سند، فشرده نظرسرّات سازمان انقلابی درباره "ایجاد حزب کمونیست ایران" و "اتحاد بزرگ ملی" میباشد. همان‌طور که در این اسناد آمده سازمان انقلابی برای تحقق این دو وظیفه اساسی که سرنوشت آینده انقلاب ایران مستقیماً به آن بسته است یک مبارزه ایدئولوژیک سیاسی را به پیش خواهد برد.

دوم: طلب کمک از خوانندگان. مشکلات سازمان ما، از مشکل مالی گرفته تا مشکلات سازمانی، سیاسی و فکری تنها با تکیه به نیروی لایزال خلقهای ایران، پرولتاریا، رفقا و دوستان سازمان برطرف میگردد. در شرایط مساعد کنونی که بویژه جنبش کارگری و کمونیستی رشد فزاینده‌ای یافته است، سازمان انقلابی پیش از هر لحظه دیگر دست کمک بسوی توده‌ها، دوستان و انقلابیون ایران دراز میکند. در زمینه سیاسی، سازمانی و مسئله مالی ما را یاری رسانید.

در اینجا بویژه شما را به همکاری با ستاره سرخ دعوت میکنیم ستاره سرخ وقتی پر بار و غنی خواهد بود که بتواند ریشه هر بین توده‌ها داشته باشد. به مسائل و مشکلات عینی آنان محیط

دهوانگاسی از زندگی و مبارزه آنان باشد. یا به بهمان
دیگر در پیوند فشرده‌ای با توده‌ها بویژه پرولتاریای ایران قرار
گرفته باشد. در پیوند دادن ستاره سرخ با جنبش توده‌ها
و جنبش کارگری شما خوانندگان نقش مهم و ارزنده‌ای دارید.
جمع‌آوری نظریات توده‌ها، گزارش از وضع زندگی و مبارزات
آنان، جمع‌آوری آمار، ارقام و بررسی علمی از جامعه ایران، همه
به غنی‌کرده ستاره سرخ کمک میکند. در عین حال ارائه انتقادات
در مورد مسائل و نقطه نظرات ارائه شده در ستاره سرخ و یا ارسال
نظریات و پیشنهادات مبنی بر اینکه ستاره سرخ خوبست چه مطالب
و مسائلی را مورد بررسی یا تشریح و یا انتقاد قرار دهد، خواننده‌ی
شرکت فعال در مبارزه ایدئولوژیک موجود در جنبش است. خوانندگان
ستاره سرخ، دوستان را در همکاری سازمانی میتوانند به طریق به
رشد جنبش کمونیستی و کارگری و زدودن سموم رویزیونیسم از این
جنبش مستقیماً و فعالانه کمک کنند.

لازم به یادآوری است که دعوت به همکاری با ستاره سرخ تنها به
خوانندگان موافق خط مشی سازمان محدود نمی‌شود. کلیه افراد،
گروه‌ها و سازمان‌ها تیکه نظرات مخالف و یا انتقادی به مطالب
ستاره سرخ ندارند، چنانچه نظرات، انتقادات و پیشنهادات
خود را در اختیار ما قرار دهند، بخاطر دامن زدن به بحثی غلط
و همه جانبه، آنها را درج خواهیم کرد.

با امید همکاری شما
هیئت تحریریه

اوضاع کنونی و وظائف ما

سازمان انقلابی پس از پیروزی انقلاب صدا میریالیستی وضعد استبدادی اخیریه رهبری امام خمینی در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۷ طی اعلامیه‌ای چنین موضع گیری کرد:

"در اوضاع انقلابی عالی کنونی میهن ما با استقرار قدرت سیاسی نوین تحت هدایت امام خمینی و به نخست‌وزیری آقای مهدی بازرگان سؤال زیر مطرح گردیده است:

— آیا باید از دولت موقت پشتیبانی کرد و قدرت آنرا تحکیم نمود یا باید به منافع برخاسته و قدرت آنرا تضعیف کرد؟ سازمان انقلابی با حرکت از موضع طبقه‌ی کارگر معتقد است که می‌بایست از دولت موقت جدید به‌نخست‌وزیری مهندس بازرگان پشتیبانی نمود و به آن امکان داد تا قدرت خود را تثکیم نماید. چرا؟ زیرا اکنون انقلاب ما را دوی نیروی ضد خلفی و ضد ملی تهدید میکنند:

۱- سازمان‌دهندگان سرعصب رژیم سابق و استه‌ها میریالیسم آمریکایی.

۲- سازمان‌دهندگان میریالیسم روس.

ما ظن همین اعلامیه‌وضیفه‌ی مرکزی مرحله‌ای رانه ایجاد و ادامه زدن به هرج و مرج بلکه تحکیم دستاوردهای انقلاب قرار دادیم و یادآور شدیم: "هر نیروی سیاسی که از این وظیفه سر باز زند و یا به هر شکل با آن به مخالفت برخیزد آگاهانه یا ناآگاهانه به مسرودم و انقلاب پشت کرده و به امیریالیستها بویژه آمریکا و روسیه خدمت می‌آند."

با در عین حال دو وظیفه‌ی دیگر را که مکمل وظیفه‌ی مرکزی بودند مطرح کردیم:

— وظیفه‌ی ادامه‌ی مبارزه‌ی قاطع و همه‌جانبه با شیوه‌های انقلابی علیه سازمان‌دهندگان رژیم و امیریالیسم آمریکایی و سرکوب و پاک کردن کامل نعوه آنها.

- وظیفه‌ی مبارزه‌ی علیه‌رحنه‌ی عمال امپریالیسم روس
بویژه کمیته‌ی مرکزی حزب توده .

تنها با توجه به وظیفه‌ی مرکزی و تمرکز قوادیر راه تحقق آن
و توجه به دو وظیفه‌ی دیگر که آنرا تکمیل می‌کنند، انقلاب قادر است
بطور موفقیت آمیز در جهت صحیح به جلو برای رسیدن به انقلاب عمیق تر
فدا امپریالیستی و دیکراتیک حرکت نماید .

حال که پس از ه ماه کارنامه‌ی انقلاب را بررسی می‌کنیم
می‌بینیم که در انجام وظیفه‌ی مرکزی و وظایف مکمل آن، نتایج
مطلوب بدست نیا آمده است، در اتحاد بزرگ ملی خلق شکاف افتشاده
اختلاف و کشمکش در درون خلق زیاد شده، در جنبه‌ی انقلاب نگرانی
و دل‌سردی بوجود آمده، در حالی که ضد انقلاب با دامن زدن به هرج و مرج
تلاش در جمع آوری نیرو داشته و از ناپامانی‌های موجود خوشحال
و سرور است .

چرا انقلاب ما بخوبی جلو نرفته و چرا قادر نشده به وظایف خود
بخوبی عمل نماید و نظم انقلابی نوین پویایی را پس از شکست رژیم
شاه بنیان گذارد؟

برای جواب به این سؤال باید به چند جنبه توجه کرد و از
میان آنها روی جنبه‌ی عمده انگشت گذاشت .

۱- اخلال دوا بر قدرت

اولین جنبه، اخلال امپریالیستها می باشد، امپریالیستها
بویژه دوا بر قدرت و عمال آنها بهیچوجه تن به شکست خود در ایران
نخواهند داد و مطمئناً با تمام قوا برای بدست آوردن آنچه که از دست
داده و آنچه که میخواهند بدست آورند به تلاش پلید پرداخته و همچنان
ادامه خواهند داد .

الف - امپریالیسم آمریکا و عمالش با اینکه ضربه‌ی سختی
خورده اند ولی در این دوره کوشیدند تا آنچه را که میشود حفظ کنند
حفظ نمایند، علاوه بر این ضد انقلاب وابسته به آمریکا در ایران دارای
پایه اجتماعی بوده و با رفتن شاه خاشن بهیچوجه حاضر نیست که تمام
منافع خود را از دست بدهد، طبقات و اقشار ارتجاعی حاکم دوره‌ی رژیم

طاغوتی - سرمایه داری دولتی و خصوصی بزرگ وابسته و انحصارات امپریالیستی که مستقیماً در ایران سرمایه گذاری داشتند، ما موران صاحب نفوذ نظامی و اداری رژیم سابق از جمله دستگاه جهنی ساواک قشری از روشنفکرانی که ریزه خوار رژیم سابق بودند، عناصر بی طبقه اوباشان و امثالهم که یک اهرم قدرت داخلی رژیم سابق بودند و تعدادشان نیز کم نبود و... اینها همگی با انقلاب مخالف بوده و در نتیجه بهر شکلی که ممکن باشد در جلو پیشرفت آن سنگ می اندازند. ما در این چند ماه شاهد بسط و گسترش فعالیت این اقشار و طبقات بوده ایم. کار بجائی رسیده که ساواکی ها در بعضی مناطق آزادانه عمل میکنند یا خود را تجدید سازمان داده و دست به اقدامات جنایتکارانه می بینند و در بعضی از شهرها شعارهایی علیه انقلاب و بسود شاه خاشن میدهند.

ب - امپریالیسم روس در رقابت با امپریالیسم آمریکا در این مدت تلاش کرده تا از مشکلات موجود در کشور ما سوء استفاده نموده انقلاب را به انحراف کشانده و از مسیر مستقل خود دور کند. امپریالیسم روس در این دوره :

- بارها در امور سیاسی کشور ما دخالت کرد. در سطح علمی و در ارتباط با مقامات مسئول بی شرمانه تفرقه افکنی کرده تا خود را یک دوست غمخوار ملت ما نشان دهد و برای آنها یک کلمه معین سازد، در باغ سبزه نشان داده و می خواهد این فکر را در مقامات مسئول کشور ما القاء کند که در مقابل مشارها و اخلاص امپریالیسم آمریکا، کشور ما باید و میتواند به سوسیال - امپریالیسم شوروی تکیه کند.

- به گسیل چندین هزار مهاجر ایرانی مقیم روسیه به ایران دست می زند. مهاجرینی که در میان آنها افراد تربیت شده ای سازمان جاسوسی "ک. گ. ب" وظیفه ای ایجاد شرایط مناسب نفوذ سوسیال - امپریالیسم شوروی را در هندستی با بقیه ای عمال سوسیال - امپریالیسم روسیه بعهده دارند.

- از طریق مخلف، مستقیم و غیر مستقیم سیل مسلسل کلاشینکف روسی را به مناطق بحرانی کشور ما سرازیر می کند تا

ندم بخدم برای برپا کردن آتش صدا انقلاب، هرگز منک موا هم ندارد.

- تلاش می کند تا از طریق مختلف ارتقا دین قدرت سیاسی بزرگتری
و اولیهای ملی کشورها برای اتحاد اغناس و اتحاد جریا و اتحاد
حربه طلبند، ظرفیت و روحیه خود استفاده کند.

- در نزدی که در مناطق مرزی به سوری اتحاد ماسی روی د
- در صورتی که روسیه کوشید تا با ارتقا دین مرزهای حدود و
کشایند قدرت را از دستگین مناطق مرزی کشور به روسیه آنها را برای
- مطلقا متا و متحد اتحاد اغناس در دراجل ایران جمع نماید.

- در صورتی که اتحادها و گروهها و سازمانهای مختلف ماس گرفتار
در ماس خلق میسر میسر و کسب و بسگی را اثنا می دهند.

نابین جنبه از علل عدم موفقیت اتحادها و انقلاب است و از
دغدغه های مهم ترین جنبه محسوب می شود.

- در این باره آنچه گفته اند، که باید جدا جدا انقلاب می باشد
زبان کسب و بسگی را بر سر راه خود به قدرت و تمام آنها اتحاد نماید،
چنانچه در صورتی که وضع و مسدود کردن آنها میسر آید، چنانچه
همه محدودیتها برداشته شود، اتحادها و کسب و بسگی آنها میسر میسر
است - تا محدودیتها برداشته شود، حتی در این مسائل شود، انقلاب،
کسب و بسگی را در این باره میسر خواهد شد، این یک مسئله ای
است و اصولی در پیشبرد اتحادها است. خط مشی و سیاست صحیح
هر یک از جنبه های ماس و ماس و ماس انقلاب بر ماس و ماس
دیده می شود، ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس
و جنبه های ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس
تا حدی که در ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس
است. ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس
مسابقات به آنها میسر است و میسر میسر است.

درباره این دیدگاه، در تاریخ کشور به خصوص در تاریخ ماهی
مسابقات امور کشور که ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس
همه جانبه ای را در عمل ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس
به پیش بردند و از ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس
به برای جنبه های ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس و ماس

اعراض به ترهات ضد انقلابی سای آمریکا - سفیر آمریکا پذیرفته
حبشودولی ملاقات نمایندگان شوروی با مقامات مسئول ایران هزونی
بیباید سمر ایران درصگو بعول خودش برای بعط وتوسعهی روابط
امضای وفیهگی ایران و شوروی کوشش می کندونا حدی به مدینه
خواستش برای بر قدرت روس میبایدارد. اولین گروه ورزشی پس از انقلاب
در روسیه به منشدوا و نین گروه کارآموزان در ورزش هم از طرف
دولت به شوروی تمین میشود و "تورس تحصنی" در اختیار معطلین
قرار میگیرد. بعلاوه نعام اخلال های مرری واعساتاب مشابه
حساب ابی قدرت امیربالیسنی آمریکا گذاشته شده وعملای همساری مردم
از نظر بر ضدت روس برای استعمال کشورمان پائین آورده میشود.

در این مورد باید به گزارش انحرافی حبهی مخالف دولت سوز
بوجهه اشت. آنها که طیف وسیعی را تشکیل می دهند زسوتعار دشمن
اندر اروپا نیمی آمریکا است. عملا امیربالیسم شوروی را نادیده
گرفته آمو سبوان دوست تمعدان کرده وحتی نگهده آن را بجهیز
می کنند.

آنرا که انقلاب با مسئول سینه ان و سیمان و سیمان سینه
میرا که در این سیمیریرا بعد مداری به شوروی و دارینه سیمیر
با بردستهی ساسوری که سمنای عامی مستقیم امیربالیسم شوروی
در دستهای می تنظیم طنمانه و سیمیا اطلبیاده را حث آگاهانه و سنا
آنها هم در سید سیمروهای دیگر. حمله سارمان چرسکهای فدائی
تلقی به غرض می جدر با عددن در خط منی های نهانی اول خود سینه
در کشور و سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
بجهت هم در خلق هم امیربالیسم شوروی را به سنا دشمن انقلاب سینه
اندر این سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
ردی این سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
از روی منکلی سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
بروک سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا

وعمال آنها برای ادامه‌ی انقلاب کشور ما زیادتر شده است و در حالیکه آگاهی مردم و مسئولین امور نسبت به آمریکا نسبتاً بالاست، به‌خطر امپریالیسم شوروی کم بها می دهند و درست بهمین خاطر، حرکتیست نه‌اجمی این امپریالیسم در ماه‌های اخیر سرپوشیده است و عملاً ترابشی آشکار سوای حزب توده، بسوی شوروی دارد پامی گیرد. این یکی از علل اساسی و دیرپای ایجاد هرج و مرج در جامعه‌ی ما محسوب می شود و بهمین دلیل وظیفه سنگینی در برابر مردم استقلال خواسته آگاه قرار دارد که پرچم مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی را همچنان برافراشته نگهدارند، با انحراف کم بها دادن به شوروی و مدارا با آن به مبارزه برخیزند و خطر واقعی امپریالیسم مهاجم و آزمند روسیه را برای مردم تشریح نمایند.

۲- اخلال سرخستان ضد کمونیست و ضد اسلام

دومین جنبه، اخلال سرخستان می باشد. آنچه خلق ما امروزه برای پیشبرد مبارزه‌ی موفقیت آمیز خود بدان نیازمند است، اتحاد بزرگ ملی بر اساس یک مشی ضد امپریالیستی و دمکراتیک است. انقلاب کمونی ما این را با وضوح تمام نشان داد. در صفوف خلق ما مکاتب عظیمی مختلفی موجودند که ناشی از واقعیت جامعه‌ی طبقاتی و نیازمندی های تاریخی آنهاست. گوناگونی مکاتب عقیدتی نباید لزوم اتحاد بزرگ ملی را نفی نماید.

اما سرخستان یعنی کسانی که پایگاه طبقاتی شان سرمایه داران وابسته (خصوصی و بوروکراتیک) و مالکین ارضی است. بدانها منتسب می باشند و با عامل سیاسی آنها گردیده اند در طی این پنج ماه از دوسو مبارزه‌ی کاذب اسلام علیه کمونیسم و یا کمونیسم علیه اسلام را داغن رده اند.

آنها تحت عنوان دفاع از اسلام و یا دفاع از "چپ"، "دموکراسی" و "زحمتکشان" نظور مستمر به تفرقه افکنی پرداخته اند. سرخستان ضد کمونیسم همه جا با تحریف حقایق نسبت به سوسیالیسم علمی و انقلابی تلاش نموده اند احاسات و اعتقادات مذهبی توده ها را برانگیزند و نوحه بوده های خلق را از مبارزه علیه امپریالیسم

وعمال آنها برگردانده و تضادهای درون خلقی میان مردم را دامن
زنند.

این سرسختان که خود را درپوشش اسلام مبارز پنهان کرده‌اند
فعالیتشان عبارتست از بهم زدن میتینگ سیاسی، حمله به افراد
و پاره کردن روزنامه‌های آنان، آتش زدن کتابفروشی‌ها و در یک کلام
ایجاد بلوا و آشوب ضد کمونیستی و ضد دموکراتیک.

از سوی دیگر دسته‌ای دیگر از سرسختان زیرپوشش "جیب" و
"دموکراتیک" با ضدیت با روحانیون و روحانیت علیه اسلام مبارز
به اخلاص مشغولند. آنها زیرپوشش برجسبهائی چون "ضدیت با دیکتاتوری
نعلین" و "یا" اسلام متعلق به فرنها پیش است، علیه اسلام مبارز
حسینی و علیه روحانیت مبارزی که سبیل آن امام خمینی است به
تبلیغ و ضدیت پرداخته‌اند.

این دو گروه سرسخت برای آنکه توده‌های مردم نتوانند سره
را از ناسره تشخیص دهند، آگاهانه تلاش کرده‌اند تا با بیانات
انکارناپذیری چون تمایز روحانیت مبارز و انقلابی اسلام را با
مشتی روحانی نمای ضدانقلابی که حتی در "لباس" اسلام مبارز عمیل
می‌کنند، بیپوشا کنند. آنها تلاش کرده‌اند تا تمایز میان با اصطلاح
کمونیستهای چون دارودسته‌ی خاش و وابسته‌ی کیانوری را با
کمونیستهای راستین، مستقل و انقلابی بزدایند تا مرز میان دوست
و دشمن مخدوش شود. آنها از هر فرصتی استفاده کرده‌اند تا تمام
تضادهای درون خلق و اختلافات ایدئولوژیک را دامن زنند. سرسختان
در هر دو شکل خود تلاش کرده‌اند مسئله را بصورت اسلام در برابر
مارکسیسم طرح کنند، به هر چه و مرجع دامن زنند و در یک کلام خلق را
بجان خود خلق اندازند. و باید گفت که آنها در این وظیفه‌ی ضدانقلابی
خویش تا حدودی نیز موفق بوده و در وضعیت موجود تا حدودی نقش مهم
داشته‌اند. بهمین دلیل پافشاری روی سیاست دفع سرسختان، مقابله
با آنها بر اساس اصل حق داشتن، سودجستن و حدنگهداشتن یکی از وظایف
کنونی را تشکیل می‌دهد.

۳- اخلال مبنی جیب روانه

سومین جنبه از علل عدم پیشروی انقلاب، بروز گرایش "جیب"

می باشد. این گرایش انحرافی "چپ" که خود را در این چند ماهه زیر پوشش مارکسیسم و دموکراسی پنهان کرده است، باعث گردیده تا عوامل ضد انقلاب و جناح راست بورژوازی قادر شوند به مخالفت با اتحاد بزرگ ملی برخاسته و جریانات ضد کمونیستی را تقویت بخشند.

مضمون اساسی خط مشی انحرافی "چپ" در این چند ماهه به قرار زیر خود را نشان داده است:

- بانفی وجود بورژوازی ملی در ایران، قدرت سیاسی حاکم در جمهوری اسلامی ایران را نماینده بورژوازی کمپرلور وابسته به آمریکا ارزیابی کرده و آنرا تبلیغ نموده است.
- وظیفه‌ی برانداختن قهرآميز قدرت سیاسی حاکم را در دستور کار قرار داده و از سیاست "وحدت - مبارزه" با قدرت سیاسی حاکم که رژیم ملی است سر باز می زند.
- مرحله‌ی انقلاب را سوسیالیستی دانسته و انقلاب دموکراتیک نوین و سیر طولانی و مرحله به مرحله آنرا نفی می کند.
- میان اقشار بورژوازی تفاوت نگذاشته و آتش حمله را بسوی همه‌ی آنها بخش می کند. یا می خواهد با "بورژوازی لیبرال" متعه شده و علیه "فاشیسم" خرده بورژوازی بجنگد.
- در روستا سیاست تنها دفاع از دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی را در پیش گرفته و به نیروهای بینابینی روستا توجه نمی کند.
- در جنبش کارگری تنها منافع فوری کارگران را در نظر گرفته و منافع آتی آنها را فراموش می نماید.
- به کارگران بطوریکجانبه توجه کرده، دهقانان و دیگر اقشار و طبقات خلقی را نادیده گرفته و به امر ایجاد اتحاد بزرگ ملی کم بها میدهد.
- در حل تضاد ملیتهای ستمدیده عجل بوده و نسخه‌ی کاربرد قهر را تجویز می کند.

چنین اند مضمون اساسی گرایشات چپ روانه‌ی کنونی در جنبش البته باید ذکر شود که هر خط مشی چپ روانه کنونی لزوماً در برابر

گمرنده‌ی تمام عناصر بالا نیست و ممکن است تنها چند عنصر را در
مضمونهای بالا، ادراک گیرد.

این گرایش چپ روانه خسارات زیادی در چند ماهه‌ی اخیر
به جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی ما وارد ساختهاست و چنانچه هر چه
زودتر بطور همه‌جانبه با آن مبارزه ننمود و در عمل مهار نگردد امکان
بروز جنگ داخلی در کشور ما زیاد خواهد شد. خصوصا که جانشینی
نمی‌یابیم که این مشی چپ روانه با پشتیبانی و تشویق از زیر و در زمین
حال دو پهلوی امپریالیسم روس و رویزیونیستهای حزب توده همراه
نباشد. خطر این مشی مخصوصا از اینجاست که ناشی میشود که انقلاب ما را
نیروی جوانی تشکیل می‌دهد که از لحاظ سیاسی کم تجربه بوده
و بیشتر از آنرا عمده‌اقتشاری از روشنفکران و خرده بسوزواری
شهری تشکیل میدهند. این اقتشار از لحاظ جهان بینی اساسا دارای
گرایشات ماجراجویانه و آنارشینی بوده و دنبال پیروریه‌سای
سریع میگردد. این نیروی جوان انقلاب می‌تواند زمینه‌ی مائستی
را برای رشد گرایش "چپ" بوجود آورد، کما اینکه بوجود آورده‌است
و درست به همین خاطر، مبارزه‌ی ایدئولوژیک و کار اقلی در برهه‌ی
به مشی چپ روانه یکی از ضروریات اجتناب ناپذیر تبدیل گردیده
است. بدون پیشبرد این مبارزه‌ها ایجاد اتحاد بزرگ ملی بخوبی
جلو نخواهد رفت و زمینه برای رشد تمایل به امپریالیسم شوروی
و حزب توده بوجود خواهد آمد. زیرا با شکست مشی چپ روانه که ما
گفت حتمی است، بعلمت آنکه عینیت ندارد، مشی راست روانه که در
جنبش کارگری مفهوم تمایل ندن به رویزیونیسم و سوسیال-
امپریالیسم شوروی می‌باشد، زمینه‌ی رشد وسیعی می‌یابد.

(۷)

۴- انحصار ظلیبی

چهارمین جنبه که در مقطع مشخص چند ماهه‌ی گذشته، نقیض
بیشتری در جلوگیری از پیشروی انقلاب بجلو داشته‌است، انحصار
نیروی سیاسی حاکم از خط مشی اتحاد بزرگ ملی است. با توجه
اینکه درستی یا نادرستی خط مشی مسئولین امور و رهبری انقلاب
تا شهر گسترده و فراگیری دارد، اهمیت اشتباه از طرف آنها بخوبی

روشن است .

در جریان انقلاب ، رهبری آتش حمله را روی رژیم شاه تمرکز داد و علیه هرگونه وابستگی به این یا آن ابرقدرت مبارزه نمود . این تمرکز قوای کامل علیه دشمنان عمده ، خط مشی و تاکتیک صحیحی بود و بهمین خاطر قادر شد وسیعترین نیروهای جامعه را تاحدی که به مبارزه کشانده شده بودند در عمل متحد سازد . ادامه ی انقلاب میبایستی به همین منوال جلو میرفت و نه تنها اتحاد بزرگ ملی محدود نمی گشت بلکه میبایستی گسترش نیز می یافت و تحکیم میگردد . اما متأسفانه بجای بکار بردن معیار سیاسی برای متحد کردن خلق ، معیار دینی بکار برده شد ، بجای پافشاری روی مبارزه ی مشترک علیه دشمنان انقلاب ، به آن کمبها دادند ، بجای پافشاری روی کار جمعی و شرکت همگی در پیشبرد انقلاب ، انحصار طلبی و سپس زدن دیگران را در پیش گرفتند ، بجای سیاست درهای باز و متحد شدن با تمام نیروهائی که میشود متحدند ، سیاست درهای بسته و تفرقه را در پیش گرفتند .

از این سیاست چه نتیجه حاصل شد ؟ امپریالیستها و عمالشان اوضاع را مساعد یافته و حداکثر بهره را میبرند ، هرج و مرج را دامنه زده و تلاش می کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند ، سرخستان ضد کمونیست و ضد اسلام مبارزه میدان برای فعالیت می یابند و در اتحاد بزرگ ملی اخلاص می کنند ، به فرصت طلبان راست و "چپ" مجال داده میشود تا موقتی هم که شده بارگیری نمایند ، عده ای را که به اوضاع بفرنج جهان و ایران آشنا نیستند بدور خود جمع نمایند و بدین ترتیب یک جریان نامساعد را در کشور بوجود آورند ، علاوه بر این برای این مشی نادرست حتی در سطح رهبری نیز عملاً نفاق پدید آمده ، با ایجاد چند مرکزیتی ، حرکت هرج و مرج طلبانه را دامنه میزند ، این خط مشی اشتباه آمیز مقامات مسئول علت فوری و بلا فاصله ی عدم پیشروی سریع انقلاب در چند ماهی اخیر جلوی می باشد و چنانچه هر چه زودتر تصحیح نگردد انقلاب سیر قهقراشی بسیار خطرناکی را طی خواهد کرد .

مبارزه علیه دشمنان عمده و عمال آنها احتیاج به اتحاد بزرگ ملی دارد و اتحاد بزرگ ملی بدون دگرگونی و بهبود وضع

زحمتکشان بدست نخواهد آمد. امروزه می بینیم که سیاست انحمارطلبی و درهای بسته‌ی مقامات مسئول چگونه حرکت دمکراتیک طبقات و اقشار ضد امپریالیستی را از پیشروی بجلو بازداشته و حتی بعضی نیروهای بالکوه ضد امپریالیستی را به جرگه‌ی ضد مقامات مسئول و جمهوری اسلامی کشانده است.

برای نمونه عدم حمایت و دفاع مقامات مسئول از حقوق ملیتهای زیر ستم ایران و حق خودمختاری آنها و متحد نگشتن با آنها بخاطر هدف بزرگتر دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران، گرایش مخالفت با مرکز را در میان اقلینهای ملی بوجود آورده است. امروز بیش از هر زمان دیگر شرایط برای نفوذ عمال ابرقدرتها و مشی فرصت طلبانه در میان اقلیت ملی و مذهبی در کشور ما مساعد شده است. مسئله دمکراسی بطور جداناپذیر با مسئله‌ی مبارزه علیه امپریالیسم همراه است، شعار مبارزه علیه استبدادبدان جهت دامنهی وسیعی قبل از انقلاب گرفت که توده‌های وسیع خلق ما از استبداد فردی سلطنتی، از وجود ساواک، از وجود ستم و استثمار بیحد و حصر به تنگ آمده بودند. در نتیجه پس از آزادی، تمام اقشار و طبقات روی این جنبه از سیاست و روش مقامات مسئول مملکتی بسیار حساس هستند. دمکراسی در تضاد با انحمارطلبی است. پس از انقلاب می بایستی به کلیه‌ی طبقات و اقشار و سازمانهای سیاسی خلقی این امکان داده میشد که در پیشبرد امر انقلاب مشترکا کار کنند، به عقاب و نظرات مختلف بویژه دو جریان مملکتی قوی و سابقه دار ناسیونالیسم متروقی و سوسیالیسم انقلابی امکان داده میشد در کلیه‌ی زمینه‌ها با اسلام مبارز همراه شوند، باید امکان داده میشد تا مکاتب با هم به رقابت بپردازند تا مردم در جریان عمل صحت و سقم آنها را بسنجند و آنچه را که درست می دانند انتخاب نمایند. دیکتاتوری بسک ایدئولوژی، یک حزب، یک طبقه، سیاست انحمارطلبانه‌ای را بوجود می آورد که عملاً باعث تفرقه در صفوف خلق میگردد. بدون دمکراسی اتحاد بزرگ ملی بهم میخورد و در نتیجه نمی توان بدرستی علیه امپریالیسم و عمال آنها مبارزه کرد.

چرا مسئولین امور دچار چنین اشتباهی شده اند؟ چرا روی

اتحاد بزرگ ملی مثل قبل از انقلاب پافشاری نکردند، چرا بجای تاکید روی جوانب مشترک و مثبت نیروهای انقلابی و فدا مهربانیتی روی جوانب مورد اختلاف و منفی انگشت گذاردند. و بالاخره چسب سیاست انحصار طلبانه را در پیش گرفتند. جواب ساده اینست که این امر از ماهیت طبقاتی بورژوازی ملی و خرده بورژوازی ناشی میشود. در مرحله ی کنونی تاریخ کشور ما دیگر آنها رسالت رهبری انقلاب دمکراتیک ملی را تا به آخر از دست داده و بالاچار دهر با زود سیاست اشتباه آمیزی را در پیش میگیرند. با اینکه این جواب از لحاظ تاریخی درست است ولی بر اساس تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، هم بورژوازی ملی و هم خرده بورژوازی قادر است در مراحل از همین انقلاب مشی نسبتا صحیحی را دنبال کند، کما اینکه در پیروزی انقلاب اخیر و ایجاد اتحاد بزرگ ملی در میان طبقات و اقشار مختلف نقش موثری ایفاء نمود. هم اکنون هم خط مشی نسبتا صحیح توسط پاره ای ارجناحهای همین اقشار ارائه میشود. بنابراین در برخورد به این اوضاع ما ضمن اینکه باید دید طولانی برای تغییر اوضاع بسود یک مشی استوار و خللناپذیر انقلابی که تنها مشی انقلابی پولاتاریا میتواند باشد فعالیت کنیم، نباید از دید کوتاه مدت و وضع مشخص، امید خود را در تصحیح اشتباه توسط رهبری سیاسی کنونی از دست بدهیم و بهمین خاطر در جواب به این سؤال که چه باید کرد، ما باید برای تصحیح اشتباه خط مشی رهبری انقلاب کار کنیم. چون چنانچه چنین تغییری صورت گیرد بسود کل انقلاب و ادامه ی آن تمام خواهد شد. ما باید همچنین خود را برای عدم تصحیح خط مشی توسط رهبری و ادامه ی سیاست اشتباه امیر آماده سازیم. با توجه به این دو جانب از کار، ما در زیر وظایف کنونی مطروحه را با اینکه در بالا در پاره ای از زمینه ها آورده ایم، یکجا و در رابطه با هم تشریح میکنیم:

همانطور که گفته شد اولین و موثرترین قدم در تغییر اوضاع تصحیح در خط مشی رهبری و بازگشت به خط مشی راستین اتحاد بزرگ ملی است. ما در اصفند ماه ۱۳۵۲ درست یکماه پس از پیروزی

انقلاب یاد آور شدیم :

"همانطور که رمز موفقیت و پیروزی انقلاب در وحدت بزرگ خلقهای ایران بود، ادامه‌ی انقلاب نیز در گروه‌همین وحدت و فتوحه تر کردن آنست. باید جبهه‌ی بزرگ خلق را علیه امپریالیسم آمریکا و روسیه و عمال آنها گسترش دهیم و آنها را تحکیم بخشیم." (شماره سرخ - دوره سوم، شماره اول)

این سیاست کماکان برای پیشبرد امر انقلاب درست است و بقوت خود باقی است.

باید تجارب این مدت با توجه به درسهای تاریخ کشورمان خوب جمع‌بندی گردد و درسهای لازم گرفته شود، باید روی مبارزه علیه دشمنان عمده‌ی مرحله‌ی کنونی انقلاب یعنی آمریکا و شوروی و عمال آنها با فشاری نمود و از هرگونه سیاست یکجانبه و مدارا جویانه نسبت به امپریالیسم نواخته و در حال تهاجم روس دوری جست، باید مرز بین دوست و دشمن را دقیقاً روشن نمود، سیاست دوستان حقیقی متحد شد و علیه دشمنان واقعی مشترکاً به مبارزه پرداخت، باید با سرسختان فداگونیست و ضد اسلام مبارزه‌ی سرزبندی نمود و آنها را منفرد ساخت. برای اتحاد بزرگ ملی که رمز پیروزی انقلاب بود، کارکرد. باید بجای بکار بردن معیارهای ذهنی، مذهب‌ی و مسلکی، معیارهای سیاسی بکار برد، باید بجای انحصارطلبی و پس زدن دیگران، روی شرکت رهبری نیروهای انقلابی در پیشبرد امر انقلاب با فشاری کرد، باید بجای سیاست دره‌های بسته، سیاست دره‌های باز را در پیش گرفت، نظرات نادرست را انتقاد کرد، تفرقه افکنان را که آگاهانه عمل میکنند طرد کرد و شعار اتحاد بزرگ ملی را در رأس همه‌ی شعارها قرار داد.

وظایف طبقه‌ی کارگر در اوضاع کنونی

وظایف طبقه‌ی کارگر هم از دیدگاه رسالت تاریخی و هم با توجه به وضع بفرنج کنونی و وظایف مشخص ناشی از آن (فقیدان حزب کمونیست و بهم خوردن اتحاد بزرگ ملی)، سنگین تر شده است. پیشروان سیاسی طبقه‌ی کارگر، دو وظیفه‌ی ایجاد حزب کمونیست و کار برای اتحاد بزرگ ملی را بعهده دارند.

در عین حال که عامل اصلی و عینی بوجود آمدن اغتشاش در صفوف خلق، ابرقدرتها و عمالشان، سرسختان ضد کمونیست و ضد اعلام مبارز، فرصت طلبان "چپ" و راست هستند و اشتباه رهبری در اتخاذ سیاست انحصارطلبانه شرایط را برای سوءاستفاده و دامن زدن به هر چه مرج بسیار مساعد کرده است اما عدم وجود حزب کمونیست به مدت طولانی و عدم وحدت طبقه‌ی کارگر نقش مهمی در اوضاع داشته و خواهد داشت.

از لحاظ تاریخی نجات انقلاب ایران در گرو رسالت تاریخی طبقه کارگر است. تنها طبقه کارگر است که میتواند به دور از منافع آنی خود و رها از تنگ نظری های طبقاتی با دیگر طبقات و اقشار خلق متحد گردد. تنها طبقه‌ی کارگر است که رو به آینده دارد و از پیشروی انقلاب بجلو و از عمیق شدن آن نه تنها هراسی نداشته بلکه منافعش درست در حرکت انقلاب بجلو میباشد. طبقه‌ی کارگر پرچمدار اتحاد بزرگ ملی است و از سه اصل اساسی خلق: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دفاع مینماید. طبقه‌ی کارگر قاطع ترین طبقه ضد دو ابرقدرت و عمالشان است، طبقه‌ی کارگر قاطع است و وسیعترین دمکراسی ها را برای خلق قائل شود. چون در وجود دمکراسی، رشد آگاهی سیاسی و اتحاد خود طبقه، فشرده شدن اتحادش با دهقانان و دیگر اقشار خرده بورژوازی نهفته است. طبقه‌ی کارگر درست بخاطر تضادش با سرمایه داری، عمیق تر از هر قشر و طبقه‌ی دیگری ضد امپریالیست است. در حالیکه بورژوازی حتی اقشار متوسط و کوچک آن ما هیما طرفدار مالکیت خصوصی و سرمایه داری هستند و خصوصیت دوگانه‌ی بورژوازی ملی هم که تا حد

و زمان معینی با انقلاب همراهی میکنند از همین جا ناشی میشود.

الف: ایجاد حزب کمونیست

مارکسیست-لنینیستها برآنند که هرچه زودتر حزب کمونیست واقعی ایران را بوجود آورند تا طبقه کارگر بتواند در صحنهی نبرد سیاسی کنونی رسالت تاریخی خود را بمعنی واقعی به عهده گیرد و بهمین دلیل سازمان ما "پلاتفرم ایجاد حزب کمونیست" را تدوین کرده است. سازمان ما برآنست که چه قبل از ایجاد حزب و چه بعد از آن باید روی سیاست اتحاد بزرگ ملی با فشاری کرده، باید برای وحدت کمونیستها با دیگر نیروهای سیاسی خلقی و ضد امپریالیستی کوشش کرد. باید طبقات و اقشار خلقی از ملیتهای مختلف را متحد نمود و از انیطریق وسیعترین نیروهای را که میتوان متحد کرد، در وحدتی بزرگ و سراسری گرد آورد و بهمین دلیل سازمان ما "پلاتفرم اتحاد بزرگ ملی" را تدوین کرده است. پرچم اتحاد بزرگ ملی را باز هم بیشتر برافرازیم، مبارزه علیه دو ابرقدرت و عمال آنها را فعالتر از گذشته همه جانبه تر بجلو ببریم، در جبههی ایدئولوژیک به مبارزه ی قاطع و همه جانبه با انحرافات راست و "چپ" کنونی بپردازیم. برماست که راه عمل طبقه ی کارگر را در کلیه ی زمینه ها و در کلیه ی صحنه های سیاسی عرضه داریم و بطور روزمره حرکت های مثبت را ترغیب و تشویق نموده و حرکت های منفی را سد نمائیم. برماست که به توده ها و خلقهای ایران اعتماد کنیم. برماست که به مارکسیست-لنینیستهای واقعی اعتماد کنیم و با جرات به بسیج مردم روی خط مشی صحیح پرولتری خود بپردازیم، جرات و باز هم جرات کنیم که پرچم طبقه ی کارگر را در همه جا برافرازیم، از سیاست صحیح آن در همه جا دفاع نمائیم و در عمل حزب کمونیست ایران را بوجود آوریم.

ب: اتحاد بزرگ ملی

پرولتاریا در عین حالی که وظیفه ی مرکزی و مبرم خود را

ایجاد حزب کمونیست ایران میداند، درست بخاطر انجام موفقیت آمیز این وظیفه، به کار جبهه واحدی باید پردازد. این از ماهیت جامعه‌ی ما، مرحله‌ی انقلاب آن و از خط مشی سیاسی طبقه‌ی کارگر در مرحله‌ی کنونی ناشی میشود. ایجاد حزب کمونیست یکا شرکت کمونیستها در مبارزات طبقاتی جاری تمام طبقات و اقشار جامعه سویژه با شرکت در مبارزات عملی توده ها امکان پذیر است و این خودبخش مهمی از کار جبهه واحد و اتحاد طبقه‌ی کارگر یکا اقشار و طبقات دیگر محسوب میشود.

در اوضاع مشخص کنونی که امر اتحاد بزرگ ملی با مشکلات و خطراتی روبرو شده، انحصار طلبی و فرقه‌گرایی به سیاست اصلی پاره‌ای از گروهها و جریان‌های سیاسی تبدیل شده است. سیاست ضد کمونیستی توسط بخشی از بورژوازی تبلیغ میشود. مظهر انحراف به "چپ" و صرف نظر کردن از کار جبهه واحدی زیاده است.

• کمونیستها وظیفه دارند با تمام قدرت برای تغییر اوضاع بسود اتحاد بزرگ ملی کوشش نمایند. باید به نقش توده‌ها در تغییر اوضاع بسود انقلاب کم بها ندهند. درست بهمین خاطر آنها باید تاکید را روی بسیج توده‌های کارگر، دهقان و دیگر اقشار خرده بورژوازی بگذارند. از خواستهای برحق زحمتکشان حمایت کنند. هم حمایت سیاسی و هم حمایت مادی. بدون حمایت از توده‌ها، بدون پشتیبانی از آنها در مبارزات روزمره شان کمونیستها قادر نخواهند شد آنها را برای مبارزات سطوح بالاتر بسیج کنند و اعتماد آنها را به اتحاد بزرگ ملی جلب نمایند.

سیاست حمایت سیاسی و مادی از توده‌ها درست بخاطر جلب آنها به اتحاد بزرگ ملی و بخاطر ایجاد بنیاد و اساس برای چنین وحدتی است. این کار اساسی مادر ایجاد جبهه‌ی واحد میباشد.

اما آنچه که این کار اساسی ما را باید هدایت کند سیاست جبهه واحدی. یعنی حل صحیح مناسبات بین پرولتاریا و بورژوازی ملی میباشد. چنانچه ما در این مورد سیاست صحیحی را

اتخاذ کنیم کار میان زحمتکشان هم بخوبی جلو خواهد رفت و شکوفائی در ادامه‌ی انقلاب حاصل میشود. ما قبلاً تأکید کرده بودیم در مناسبات بین پرولتاریا و بورژوازی ملی سیاست پرولتاریا مبتنی است بر وحدت - مبارزه - این سیاست کمافی السابق باید باقی بماند و ما باید در جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی برای وحدت با مسئولین امور تا آنجا که از اتحاد بزرگ ملی پشتیبانی میکنند، کوشش کنیم.

• ما از بکسر باید استقلال ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی خود را حفظ نمائیم - کاری که مصر انجام داده ایم و باید همه جانبه‌تر و فعالتر از گذشته همچنان ادامه یابد. این استقلال جزئی از دموکراسی محسوب میشود و مبارزه‌ی ما برای حفظ استقلال بنوبه‌ی خود مبارزه برای دموکراسی است و بدون آن اتحاد بزرگ ملی غیر ممکن است. از سوی دیگر ما باید هنگامیکه در میان توده‌ها کار میکنیم هم به مبارزه‌ی طبقاتی میان استثمار شونده‌گان و استثمار کنندگان و هم به مسئله‌ی ملی یعنی مسئله‌ی اتحاد با بخشی از استثمار کنندگان بخاطر مبارزه علیه امپریالیسم و عمال آنها و سرمایه‌داری وابسته توجه کنیم. یعنی ما مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا را باید با تحلیل از اوضاع، تنظیم کنیم. ولی هیچگاه آنرا نفی نکرده و آشکارا وجود آنرا بیان نمائیم. در عین حال ما آگاهیم که درست بخاطر مرحله‌ی انقلاب ما، درست بخاطر مشترک بودن منافع چند طبقه و فشر در ادامه‌ی انقلاب کنونی استقلال ما در جبهه‌ی واحد مطلق نیست بلکه نسبی است. یعنی ما ما در چارچوب جبهه واحد و برنامه‌ی مشترک کار میکنیم و از دیگر نیروها هم میخواهیم که در همین چارچوب عمل کنند. این امر بدون شک استقلال هر حزب و سازمانی را تا حدی محدود میسازد و درست به همین خاطر میگوئیم استقلال ما نسبی است نه مطلق و درست بخاطر همین امر است که ما نظرات سرخستان را که میگویند کمونیستها "تاکتیکی" جبهه‌ی واحد را میپذیرند رد میکنیم کمونیستها با تحلیل علمی ضرورت تاریخی این وحدت و طولانی بودن آنرا روشن کرده و میکنند. وحدت فقط بسود پرولتاریا نبوده بلکه دقیقاً بسود تمام طبقات و اقشاری است که در اتحاد برتر

ملی می‌توانند شدت نمایند.

■ از سوی دیگر باید بخاطر ایجاد اتحاد بزرگ ملی، از سیاست کمک متقابل و گذشت متقابل در برخورد به نیروهای سیاسی دیگر پیروی نمود. کمونیستها باید در این امر پیشگام باشند و در امر اتحاد بزرگ ملی به نیروهای دیگر کمک کنند و در برابر اختیارات آنها چنانچه حاضر به تصحیح باشند و دست‌و‌حجت را بگذارند، گذشت نمایند.

■ ■ ■

اوضاع عالی انقلاب پس از پیروزی، سیر تکاملی خود را طی نکرده است. امپریالیستهای آمریکا و روس و عمالشان مجال یافته تا هر چه بیشتر هرج و مرج بوجود آورده و جریان را بسود خود بکشانند، سرسختان ضد کمونیست و ضد اسلام مبارز هم نقش مهمی در بهم زدن اتحاد بزرگ ملی بعهده داشته و بنوبه‌ی خود به اغلال در اوضاع پرداخته‌اند، گرایش طلبانه‌ی راست - کمپها دادن به خطر امپریالیسم شوروی با دوستی با آن و گرایش چپ مانفی اتحاد با نیروهای بینابینی، هر دو مجال یافته تا دامنه‌ی فعالیت وسیعتری بخود بگیرند و درست‌به‌همین خاطر به هرج و مرج اوضاع افزوده شده و در حرکت وحدت طلبانه‌ی خلق اغلال شده است. مقامات مسئول دچار اشتباه خط مشی شده، انحصارطلبی را پیشه کرده و در نتیجه بزرگترین ضربه را به حرکت رشد یابنده‌ی اتحاد بزرگ ملی وارد آورده تا جایی که حتی بین خود، تضادهای حادی را باعث شده‌اند. در چنین اوضاعی وظیفه‌ی کمونیستهای واقعی و انقلابیون و کلیه‌ی نیروهای استقلال‌خواه است که روی اتحاد بزرگ ملی علیه امپریالیسم آمریکا و روسیه و عمالشان با فشاری نمایند و درست بخاطر ایجاد و تحکیم چنین جبهه‌ای برای بسط دموکراسی و بهبود وضع زحمتکشان کوشش نمایند.

وظیفه‌ی کمونیستها است که توده‌های خلق را به خطر گرایش به امپریالیسم روس که ماهیتا گرایشی راست است آگاه نموده و آنها را بمبارزه علیه این خطر برانگیزند. وظیفه کمونیستهاست که حمله سرسختان را قاطعانه دفع نمایند، به میسر آردی

ایدئولوژیک با انحراف "چپ" برخاسته و فرصت طلبی این گرایش که عملاً به رویزیونیستها و امپریالیسم خدمت میکند بطور همه جانبه افشاء نماید.

با اینکه پس از پیروزی انقلاب تا اندازه ای حرکت منفی در روند انقلاب بوجود آمده است ولی مطمئناً همه ی نیروهای استقلال خواه و واقعا انقلابی قادرند به اوضاع حساس کنونی برخورد دقیق و مسئول نموده، با رفع اشتباهات بار دیگر مسیر اصلی را در پیش گیرند.

* اوضاع برای تصحیح اشتباهات و ادامه انقلاب مساعد است زیرا توده های وسیع خلق ما در سراسر ایران مصرا نه خواهان ادامه ی انقلاب بوده و در پنج ماه گذشته یک دل ایمن اراد داران استوار خود را نشان داده اند.

آنها عمیقاً طالب استقلال ایران هستند و احساسات قوی ضد امپریالیستی بویژه ضد آمریکا و شوروی دارند. آنها خواهان اتحاد بزرگ ملی بوده و با هرگونه تفرقه افکنی مبارزه کرده و میکنند. توده ها با پوست و گوشت خود اهمیت وجود دموکراسی را لمس کرده و همیشه بطور استوار از بسط و توسعه دموکراسی پشتیبانی نموده اند. آنها در حالیکه سنگین ترین فشار و صاع نامساعد معیشت و احتیاجات روزمره را بردوش دارند، درک صحیحی از مشکلات انقلاب داشته و موفق حل عدم بعد آن میباشند. علاوه بر روحیه انقلابی توده ها، در فعالیت پنج ماهه مسئولین امور نیز جوانب مثبت بسیار است و مسئولین بخاطر پیوندشان با انقلاب و مردم قادرند اشتباهاتشان را تصحیح کرده و بر کمبودهایشان علیه کنند.

انقلاب هیچگاه راه مستقیمی را طی نکرده است و هیچ رهبری عاری از اشباه نمیتواند باشد. در پیشروی انقلاب ما بجلو بطل تاریخی و شرایط مشخص مشکلات فراوان اند، توطئه گریها توسط دشمنان نسبتاً بر قدرت زیادند و در نتیجه انقلابیون مجبورند با گذاشتن از پیچ و خم ها و حل مشکلات بسیار به پیش روند و آنچه مسلم است آنها به پیش خواهد رفت و آینده با تمام پیچ و خم های راهش نابیناک میباشد و افق آسمان انقلاب ما روشن و شفاف است.

پلاتفرم ایجاد حزب کمونیست ایران

جنبش کمونیستی و کارگری ایران پس از گذار از یک دوره ی بسنا طولانی هفتادساله ، اکنون در لحظه ای حاسر و سرنوشت سار ، هم از جنبه ی منافع آتی طبقه ی کارگروه از جنبه ی منافع کنونی آن که ادامه ی پیروزمندانقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک است ، قرار دارد . همه ی طبقات اجتماعی ایران احزاب سیاسی خود را بوجود آورده و فعالانه و بطور مستقل در صحنه ی سیاسی کشور عمل می کنند . دارودسته ی کیا سوری بمثابه ی ستون پنجم سوسیال - امپریالیسم شوروی در رأس حزب توده و بعنوان مدعی حزب طبقه ی کارگر از هج بلاشی برای منحرف ساختن جنبش کارگری کوتاه می نمی کند . دارودسته های اپورتونیستی دیگر هم که از آبشخور رویزبونسیم سراب میشوند بشوهای دیگر در امر اتحاد طبقه ی کارگرو اتحاد بزرگ ملی اخلاص می نمایند . در حقیقت اوضاعی این تنها طبقه ی کارگر است که از حزب واقعی مارکسیستی - لنینیستی خود محروم است .

سازمان انقلابی با دریافت این وظیفه ی مهم که به آبنده ی فوری و دراز مدت مبارزه ی طبقه کارگر مربوط میشود ، علیرغم همه ی مشکلات ، با هدف ایجاد حزب ، پلاتفرم حاضر را برای متحد ساختن جنبش کمونیستی و رسیدن به این هدف فوری وانکارنا پذیر عرضه می کند . اما مدام بر آنست که با همه ی مارکسیست - لنینیستهای که نقطه حرکتشان منافع طبقه ی کارگرو خلقهای ایران و ادامه انقلاب است و اساسا بمسائل مطروحه در پلاتفرم حاضر جواب مثبت میدهند ، دوش بدوش هم در ایجاد حزب کمونیست ایران گام برداریم .

این پلاتفرم بر مبنای رهنمود لنین در مورد ایجاد حزب شامل پنج بخش اصول ، برنامه ، خط متی عام ، سیاستهای مشخصه و مرحله ای و نقشه ی ایجاد حزب است .

اصول حزب کمونیست ایران

۱- ماهیت حزب :

حزب کمونیست ایران حزب سیاسی انقلابی و پیشرو طبقه کارگر و عالیترین شکل سازمانی این طبقه است. این حزب مبین مصالح پرولتاریا، افکار و اراده‌ی او و همچنین مدافع منافع خلق در مرحله کسوی انقلاب است. این حزب دربرگیرنده آگاهترین، مادیترین و فداکارترین و مبارزترین عناصر وابسته به طبقه کارگر است که این طبقه و توده‌های خلق را در مبارزه علیه دشمنان طبقاتی داخلی و خارجی رهبری می‌نماید.

۲- تئوری راهنما :

مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون اساس تئوریستیک حزب را تشکیل می‌دهد. تحارب مثبت و منفی جنبش کمونیستی و کارگری بین ما در این مورد، نشان می‌دهند که باید از یکسودارای پرچم‌روشن مارکسیستی - لنینیستی بود و روی اصول کبیر مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون که حقیقت عام هستند، با فشاری کرد و از سوی دیگر به این تئوری برخورد دگماتیکی نداشته بلکه آنرا به عنوان راهنمای عمل در تلفیق با انقلاب ایران بکار برد.

رویزیونیسم معاصر که دارودسته کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در مرکز آن فرار دارد، انحراف عمده را در جنبش بین‌المللی کمونیستی تشکیل می‌دهد. مبارزه علیه رویزیونیسم معاصر مبارزه ایست اصولی و انعکاسی است از مبارزه‌ی طبقه کارگر به بورژوازی در درون جنبش کمونیستی و کارگری جهان در جهت پاکیزه نگه داشتن مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون از انحرافات غیر پرولتری. در کشور ما رویزیونیستهای حزب توده جریان عمده‌ی رویزیونیستی و انحرافی را تشکیل می‌دهند و باید مبارزه رابطه‌ی اسوار و همه جانبه علیه این دشمنان قسم خوردی طبقه کارگر ادامه داد.

۳- خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی

خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی تعیین کننده است. شکست یا پیروزی حزب بستگی به صحت یا عدم صحت خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی آن دارد. خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی حیات و روح حزب است. بدون آن، حزب نمی تواند به زندگی خود ادامه دهد.

خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی صحیح راتنها میتواند بکاربرد موضع، نقطه نظر و اسلوب مارکسیستی - لنینیستی در جریان پراتیک، با تحلیل درست از وضعیت مشخص اقتصادی - اجتماعی جامعه، با شناخت از وضعیت نیروهای طبقاتی در سطح جهانی، بدست داده و سیاستهای مشخص را از طریق بررسی مداوم اوضاع تغییر یافته تعیین نمود. و موازی با آن مبارزه‌ی بین نظرات درست و نادرست و بین دو خط مشی را در کلیه‌ی زمینه‌ها به پیش برد.

۴- خط مشی تشکیلاتی:

برای تبدیل خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی به عمل انقلابی، حزب باید از یک خط مشی تشکیلاتی مارکسیستی - لنینیستی پیروی کند تا بتواند رشته‌های ایدئولوژیک و سیاسی خود را بهم پیوند داده و تشکیلات حزب را به دژ استوار انقلاب بدل نماید. سه اصل اساسی این خط مشی تشکیلاتی عبارتند از:

الف: مرکزیت - دمکراتیک

اصول تشکیلاتی حزب مرکزیت - دمکراتیک است. اصل از "توده‌ها به توده‌ها" محتوی مرکزیت - دمکراتیک میباشد. حزب از طریق بسط و گسترش دمکراسی در صفوف خود خواستها، عقاید و نظرات اعضا و توده‌های خلق را جمع آوری می نماید. آنگاه از طریق فرموله کردن این خواستها، عقاید و نظرات در پرتو مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو سه دون و خط مشی عمومی حزب و تبدیل آنها به سیاستها، رهنمودها و شعارهای حربی و بردن آنها به میان اعضا و توده‌های خلق، مرکزیت را به احرا در می‌آورد.

مرکزیت - دمکراتیک دو جنبه‌ی یک تفاعلند. هم مرکزیت ضروریست و هم دمکراسی. در حزب باید هم آزادی باشد و هم انضباط. مرکزیت بر اساس دمکراسی و دمکراسی تحت هدایت مرکزیت شکل میگیرد و تقویت میشود. مرکزیت - دمکراتیک یک پدیده‌ی واحد و جداناپذیر را تشکیل میدهد. در حزب باید شیوه‌ی صحیح مرکزیت - دمکراتیک بعد عالی اجرا شود تا در حزب وحدت تشوری، وحدت سیاست، وحدت نقشه، وحدت فرماندهی و وحدت عمل در سطحی بالا بوجود آید.

ب : کا در سازی.

- اهمیت کا درها : گسترش فعالیت حزب، ارتباط حزب با اعضای توده‌ها و از همه بالاتر رسیدن به خط مشی درست انقلابی و پیاده کردن آن در عمل و نهایتاً غلبه بر دشمن بدون تربیت صدها و هزاران کادر غیر ممکن است. همچنین تضمین حفظ سیاست پرورنتری و ادامه‌ی انقلاب تا به آخر نیز منوط به داشتن کا درهای واقعا انقلابی است. عدم توجه به این امر، حزب را در عمل از داشتن ستون فقرات محروم میسازد.

- کیفیت کا درها : آنها باید به ما رکنیم - لنینیم - اندیشه ما شوتسه دون وفادار بوده، از آن دفاع کرده و در بکار برد آن، از خود تعمر و زبردستی نشان دهند.

+ آنها باید بطور استوار در سمت خلق ایستاده و تمام و کمال به اکثریت خلقهای ایران و جهان خدمت کنند.

+ آنها باید بتوانند اوضاع را در مجموع در نظر گرفته، با اکثریت مردم وحدت کنند و با رویزونیستها، اپورتونیستها، مقام پرستان و موطئه‌گران در درون حزب مبارزه نمایند.

+ آنها باید نمونه‌ی اجرای مرکزیت - دمکراتیک بوده، مشی توده‌ای را دقیقاً بکار ببرند و سبک کار دمکراتیک را در حزب گسترش داده و به ندای توده‌ها گوش فرا دهند.

+ آنها باید سرشار از روحیه‌ی انتقاد از خود بوده و جسارت اصلاح اشتباهات خود را بموقع داشته باشند و از هرگونه غرور و شنا پزدگی بهره‌مند و فروتن و دوراندیش باشند.